ابعاد فرهنگی سیاسی واقعه کربلا

پدید آورنده : محمد سهلانی ، صفحه 51

مقدمه:

عاشورا، در کتاب کهن تاریخ، تنها یک نام نیست، بلکه خورشیدی است که در آسمان بشریت می تابد و زندگی را برای همه آفریده های خداوند به ارمغان می آورد. حادثه ای نیست که غبار فراموشی بر آن بنشیند و یاد و خاطره اش را ازدل ها بزداید. موجی نیست که در نشیب آید و کفی از آن بر آب باقی بماند. آتشی نیست که با جرقه ای روشن گردد و با نسیمی، گرمای آن به سردی گراید. برقی نیست که در آسمانی طوفانی بجهد و بی درنگ خاموش شود.

عاشورا مدرسه عشق و ایثار و جانفشانی است. تجسّم کمال عبودیت و عرفان، سِلم محض و اطاعت از معبود است. کعبه آمال و مجمع اسوه های کمال است. صحنه از جان گذشتگی نور رویان و افشای ماهیت پلید نار رویان است. می خواهیم در این نوشتار آموزه هایی را که از مکتب آل اللّه و عاشورا می توان آموخت، بر شمریم.

سیاست از منظر اسلام

اسلام، سیاست را از دیانت جدا نمی داند. زندگانی اهل بیت «علیهم السلام» نیز با فعالیت های سیاسی و واکنش های گوناگون در رویارویی با آن رقم خورده است. آنان با بهره گیری از سیاست متوازن در برابر زمام داران مستبد، جریان های سیاسی، مذهبی و نهضت های التقاطی توانستند جامعه اسلامی را در راه درست به پیش ببرند. بارها رخ می داد که اشخاصی نزد آنان می آمدند و از سکوت آنان در برابر اوضاع زمانه انتقاد می کردند. آن بزرگواران نیز با بیان بینش سیاسی خود، شیوه و راه درست را به چنین افرادی نشان می دادند. آنان همیشه از سیاست مصلحت اندیشی پیروی می کردند. گاه دست به شمشیر می بردند و گاهی به صلاح دید اجتماعی، سکوت اختیار می کردند. ائمه اطهار «علیهم السلام» پاسخ ساده اندیشانی را که به کوشش های آنان اعتراض می کردند، چنین می فرمودند:

ما به زمانه خود آگاه تریم. نه تو مرد زمان من هستی و نه زمانه، زمانه من است.

جامعه از منظر اسلام

یکی از پرسش های اساسی و سازنده برای یک انسان متعهد این است که «چگونه باید زیست؟» پاسخ این سؤال هنگامی آشکار می شود که آدمی از خود بپرسد که برای چه زندگی می کنیم؟ در واقع «چرایی» به «چگونگی» آن پاسخ می دهد. آیا آدمی باید در «خور و خواب و خشم و شهوت» فرسوده گردد یا این که چیزهای اساسی تر دیگری نیز وجود دارد؟ به طور کلی، سرمایه گران بهای عمر را چگونه باید مصرف کرد؟ چگونه باید زیست تا از پرواز به سوی قله بقا باز نماند؟

جامعه انسانی هنگامی زنده است که حیات طیبه داشته و فضایل، بر آن جامعه سایه انداخته باشد. جامعه ای که به آزادگی، بیش تر از آزادی بها می دهد و در راه آزادگی گام بر می دارد، آزادی را نیز برای اعضای خود به ارمغان می آورد. حتی اگر چنین جامعه ای در راه رسیدن به این هدف به کلی نابود گردد، هراسی نیست؛ زیرا بقای آن در رسیدن به همان هدف راستین است نه حیات ظاهری. بنابراین، رنگ جاودانگی به خود می گیرد و تاریخ نیز برگ های زرّین این آزادی و آزادگی را برای آیندگان به امانت می سپرد.

شهادت طلبی یک ملت، همان حیات طیبه ای است که به جامعه اصالت می بخشد. در مقابل، سکوت ملت در برابر فساد اجتماعی، مرگ جامعه را نشان می دهد. آری، جامعه ای که در عین آزادی، آزادگی ندارد و مردمی که در برابر ستم، هیچ واکنشی از خود نشان نمی دهند، پیش از مرگ، مرده اند. پیام عاشورا، پیام جاوید ماندن و پیوستن به کاروان ابدیّت است. این آیین، پیوستن به موج زنده فریاد و سیل فزاینده خون است. عاشورا مانند پادزهری است که همیشه در رگ های یک اجتماع جریان دارد و آماده رویارویی با فرهنگ های بیگانه است. عاشورا سرمشق سربلند زیستن و خود اتکایی اجتماعی است.

1. ولایت پذیری

«ولایت» از مهم ترین اصول و احکام زیربنایی اسلام است که کلید پذیرش همه طاعت ها و عبادت ها به شمار می رود. امام علی «علیه السلام» می فرماید: «از میان احکامی که خداوند بر بنده خود واجب کرده است نماز، روزه، زکات، حج و ولایت، بزرگ ترین آن هاست که ولایت، نگهدارنده آن چهار فریضه دیگر است.»

نظام حکومتی اسلام بر پایه ولایت بنا نهاده شده است که هم یک مسئله اعتقادی است و هم یک مسئله سیاسی. ولایت بر مسلمانان، حق ائمه معصوم «علیهم السلام» است که این حق را ستم پیشگان تاریخ غصب کردند. امام حسین «علیه السلام» در بیان این مطلب می فرماید:

«پس از آن که خداوند، پیامبرش را به سوی خویش برد، مردم، حکومت و خلافت را که از آنِ ما بود، گرفتند. با این حال، ما هیچ نگفتیم تا در جامعه پراکندگی نباشد. این در حالی بود که می دانستیم ما برای این حقّ مسلم، از کسانی که اکنون آن را عهده دار گشته اند شایسته تریم.»

شناساندن «رهبری صالح» به امت اسلام و رسوا ساختن رهبران فاسد، مهم ترین پیام نهفته در همه قیام های ائمه معصوم «علیهم السلام» به ویژه قیام کربلاست. این قیام ها نشان داد که رهبری در اسلام بر پایه شایستگی است نه زور و زر. این مسئله در دو اصل «تولّی و تبرّی» منظور گشته و در همه زیارت نامه ها و دعاها تکرار می شود. بنابراین، گردن نهادن به ولایت حقّه امامان معصوم «علیهم السلام»، رستگاری اجتماع را تضمین می کند. اکنون این ولایت حقّه در دست فقیهان قرار دارد و همیشه در جریان است تا به دست صاحب اصلی آن؛ یعنی حضرت صاحب الزمان «عج» سپرده شود.

امام خمینی «ره» درباره تداوم خط دوری از دشمنان ولایت می فرماید:

«لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه - لعنة اللّه علیهم - ، با آن که آنان منقرض و به جهنم ره سپار شده اند، فریاد بر سر ستم کاران جهان و زنده نگه داشتن این فریاد، ستم شکن است.»

2. ستم ستیزی

درگیری حق با باطل، و ستم دیده با ستم گر از نخستین روزهای آفرینش آغاز گشته است و تا قیام حضرت مهدی «عج» ادامه دارد. پیشوایان معصوم «علیهم السلام» با چنگ زدن به کلمه راستین حق، می کوشیدند پیام آزادی و آزادگی را در طول تاریخ طنین افکن سازند. امام حسین «علیه السلام» می فرماید:

«ما و بنی امیه بر سر محور «خدا» با هم نزاع کردیم. ما گفتیم: خدا راست گفته است و آنان گفتند: خدا دروغ گفته است.»

اینک پیام حقیقت خواهانه آنان از حلقوم فرزندان ستم ستیز انقلاب اسلامی بر می آید. جوانان این سرزمین، پیام عاشورا را دست مایه حرکت خویش در مبارزه با طاغوت داخلی و رویارویی با ستم پیشگان خارجی قرار داده اند. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

«ملت عزیز ما در ایام محرم و صفر باید روح حماسه، روح عاشورایی، روح نترسیدن از دشمن، روح توکّل به خدا و روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را در خود تقویت بکنند؛ از حسین «علیه السلام» مدد بگیرند. مجالس عاشورا برای این است که ملت های ما را به حسین بن علی «علیه السلام» و اهداف آن بزرگوار نزدیک تر و آشناتر بکنند. در این ایام، ما باید راه آن ها را فرا بگیریم. یک عده ای کج فهم نگویند که امام حسین «علیه السلام» شکست خورد؛ یک عده ای کج فهم نگویند که راه امام حسین «علیه السلام» این است که همه ملّت ایران کشته بشوند. کدام انسان نادانی ممکن است چنین حرفی بزند؟ یک ملت باید از حسین بن علی «علیه السلام» درس بگیرد؛ یعنی از دشمن نترسد. به خود متکی باشد و به خدای خود توکّل بکند و بداند که دشمن شوکت دارد، اما این شوکت ناپایدار است. بداند اگر چه این دشمن، به ظاهر گسترده و قوی است، اما توان واقعی آن ها کم است. مگر نمی بینید که نزدیک به چهارده سال است که دشمنان خواسته اند جمهوری اسلامی را از بین ببرند و نتوانسته اند؟ آیا علّت آن غیر از ضعف آن ها و قدرت ماست؟ ما قوی هستیم و به برکت اسلام قدرت داریم. ما به خدای بزرگ، متوکّل و متکی هستیم. ما نیروی الهی را داریم و دنیا در مقابل چنین نیرویی نمی تواند بایستد.

مقام معظم رهبری این درس را در سخنی دیگر، این گونه تبیین کرده است:

«عاشورا یک پدیده ای است در تاریخ اسلام که همواره به نفع مردم و به زیان ستم گران و قدرت های استکباری به کار رفته است. امروز هم نقش عاشورا را قدرت های استکباری درست ارزیابی می کنند که با آن مخالفت می نمایند. عاشورا یک حادثه بزرگ تاریخ اسلام است و بزرگداشت خاطره محرم و شهادت حسین بن علی «علیه السلام» و یاران و فرزندان آن حضرت، یک وظیفه اسلامی است و تنها کسانی با آن مخالفت می کنند که با حسین بن علی «علیه السلام» و بزرگان اسلام یا آشنایی ندارند و یا با آن ها مخالفند و استکبار از عاشورا بیم ناک است و لذا با آن مخالفت می کنند.»

3. ژرف بینی

شرکت در مراسم عاشورا سبب روشن بینی انسان می شود. بدین ترتیب، انسان می تواند با پیش بینی حرکت و جهت گیری گروه های سیاسی و اجتماعی، با دیدی روشن و باز تصمیم بگیرد. اهمیت این نکته آن گاه آشکار می شود که بدانیم تقلیدهای کورکورانه سبب می شود انسان در لشکر دشمن جای گیرد و در مقابل حق صف آرایی کند. حضرت علی «علیه السلام» رزمندگان ژرف بین لشکر اسلام را این گونه توصیف می کند:

«بصیرت های خویش را بر شمشیرهای شان حمل می کردند.»

این سخن بدان معناست که آنان در راه حق، آگاهانه شمشیر می زدند. ژرف بینی در یاران امام حسین «علیه السلام» نیز به چشم می خورد. آنان که در شب عاشورا در زیر خیمه سبز حسین «علیه السلام» گرد آمده بودند، با آگاهی از حادثه فردا، تصمیم گرفتند و با بینش منطقی، جان خود را در طبق اخلاص نهادند. شمار اندکی نیز چون ژرف بینی کامل نداشتند، از لشکر حسین «علیه السلام» جدا شدند و راه خود در پیش گرفتند.

پیام آشکار عاشورا این است که در همه صحنه های زندگی، بر اساس شناخت و بینش حرکت کنیم و با یقین و اطمینان از حقانیت راه و روش و شناخت خودی و بیگانه، در راه قدم گذاریم.

مقام معظم رهبری درباره ژرف بینی که ره آورد مجلس های عاشوراست، چنین می فرماید:

«... باید در این مجالس (عزاداری) نسبت به اصل حادثه عاشورا یک معرفت روشن تر و واضح تری برای مردم به وجود بیاید. این جور نباشد که ما بیاییم در مجلس حسین بن علی «علیه السلام» یک سخنرانی بکنیم یا یک منبر برویم، طوری که اگر در داخل این مجلس، یک آدم اهل فکر و تأمل بود که امروز در جامعه ما کسانی که اهل فکر و تأملند، بسیارند و این از برکات انقلاب است با خود فکر کند که ما برای چه به این جا آمده ایم و قضیه چه بود؟ چرا باید برای امام حسین «علیه السلام» گریه کرد؟ چرا امام حسین «علیه السلام» اصلاً آمد کربلا و عاشورا را به وجود آورد؟ باید طوری باشد که اگر برای کسی چنین سؤالی به وجود آمد، شما پاسخ آن را داده باشید.»

4. پیام رسانی

به جرئت می توان گفت که حضرت زینب «علیهاالسلام» پس از جایگاه امامت برجسته ترین نقش را در رساندن پیام شهیدان کربلا ایفا نمود. ایشان با توکل و پشتوانه صبری که داشت این مهم را به انجام رسانید. به راستی، خداوند چه صبری به ایشان عنایت کرده بود که توانست این همه مصیبت و دشواری را یکجا تحمل کند؟ زینب «علیهاالسلام» مانند مادر بزرگوارش حضرت زهرا «علیهاالسلام» شجاع ترین زنان جهان بود که به هنگام پشتیبانی از حریم ولایت چنان خطبه های آتشینی خواند که همه را به شگفتی وا داشت. وی با وجود همه دردها و داغ ها علی وار ایستاد و از حق خاندان خویش دفاع کرد. زینب «علیهاالسلام» بهترین الگوی پیام رسانی در مکتب سرخ عاشورا است. اگر افشاگری های زینب «علیهاالسلام» نبود، تهمت های دشمن برای خدشه دار کردن قیام، کارگر می افتاد و اندیشه زندگی آفرین کربلا فراموش می گشت. اگر زینب «علیهاالسلام» نبود، خورشید عاشورا در پس ابرهای سیاه نفاق باقی می ماند و ندای مظلومیت شهیدان کربلا در هیاهوی دین ستیزان گم می شد.

زینب «علیهاالسلام» در شام تار غریبان، غریبانه دل را از هر آنچه غیر خدایی است تهی می کند و به خدا می سپارد. او شبانگاه برای خواندن نماز شب بر می خیزد و با پیروی از نماز ظهر عاشورای برادر و امام خویش، به نماز می ایستد. تن خسته زینب «علیهاالسلام» نای بر پا ایستادن ندارد و کوه مصیبت، بر دوش او سنگینی می کند. با این حال دلش، سبک بال به درگاه الهی پر می گشاید و حماسه ای دیگر بر حماسه های کربلا می افزاید.

او خدا را فراموش نکرده است و می داند که خدا حاضر و ناظر است. پس شکایت برای چه و اندوه برای که؟ آری! نماز در چنین شبی، دلی عاشورایی می طلبد و هر رکعت این نماز با آن وضعیت که نه خیمه ای مانده و نه چادری بر سر، خشت دیگری بر بنیان فرهنگ سرای عاشورا می نهد و این بردباری حسینی و پایداری زینبی است که قیام سرخ عاشورا را از دیگر قیام ها جدا می کند. حسینی رفتن و زینبی ماندن تنها از عهده کسانی بر می آید که در آموزشگاه کربلا، نام نویسی کرده باشند.

5. مشارکت زنان

«زهیر بن قین» یکی از شهیدان سرافراز کربلاست که مانند حر، به صف عاشقان حسین «علیه السلام» پیوست و تا دم آخر از پیمان خود دست برنداشت. او از کسانی بود که در آغاز، از رو به رو شدن با حضرت خودداری می کرد و انتظار نداشت در قیام ایشان حضور یابد. هنگامی که امام حسین «علیه السلام» برای انجام حج به مکه رفت، زهیر نیز با بستگان خود کاروانی تشکیل داده و در مکه مشغول انجام مناسک بود. وی در آن جا از حضور حضرت و انگیزه ایشان برای قیام آگاه گردید. هنگام بازگشت به کوفه نیز به دلیل هم مسیر بودن با کاروان عاشوراییان، می کوشید از منزلگاه حضرت برای توقف کاروان آگاه باشد تا با آنان در یک منزلگاه فرود نیاید. برای او دشوار بود که به درخواست حضرت برای شرکت در قیام، پاسخ رد بدهد. پس ترجیح داد از دور ناظر جریان باشد. از قضا، کاروان زهیر در محلی سرگرم استراحت بود که کاروان امام حسین «علیه السلام» نیز در نزدیکی آن جا بار افکنده بود. زهیر و همراهانش در حال خوردن غذا بودند که ناگهان مردی از سوی امام حسین «علیه السلام» نزد آنان آمد و به زهیر گفت: ای زهیر بن قین! ابا عبداللّه الحسین مرا به سوی تو فرستاده است که بگویم به نزد او بروی.

سکوتی مبهم بر حاضران حاکم گردید. هر کس لقمه ای را که در دست داشت، بر زمین گذاشت. در این میان «دُلهم»، همسر زهیر برخاست و به زهیر گفت: سبحان اللّه! پسر پیامبر به سوی تو پیغام فرستاده است و تو به سوی او نمی روی؟! چه شده است که نزد او نمی روی و سخنش را نمی شنوی؟

زهیر از سخن غیورانه همسر خود تکانی خورد. بر خود نهیب زد و به سوی خیمه گاه امام به راه افتاد. چیزی نگذشت که با شادمانی به خیمه بازگشت و صورتش می درخشید. دستور داد خیمه او را جمع کنند و به اردوگاه حضرت انتقال دهند. سپس به همسرش گفت: ای زن! اکنون تو را طلاق دادم و تو آزادی که هر جا می خواهی بروی؛ زیرا نمی خواهم به خاطر من گرفتار شوی. به همراهان خود نیز گفت: این آخرین دیدار من و شماست. هر کس می خواهد، با من بیاید. من برای شما حدیثی نقل می کنم. ما در دریا با دشمن می جنگیدیم. در آن جنگ پیروز شدیم و غنیمت هایی به دست ما آمد. حضرت سلمان فارسی در آن جنگ با ما بود. او به ما گفت: آیا به این پیروزی و آن چه به دست آورده اید، خوشحالید؟ گفتیم: آری، فرمود: هنگامی که آقای جوانان آل محمد (امام حسین «علیه السلام») را دیدار کنید، آن گاه در جنگ کردن همراه او شادتر هستید از شادی این غنایم.

اما همسر او در این میان با ایفای نقش یک زن مسلمان، از تنها گذاشتن او دوری نمود و با یاری او در انجام وظیفه نسبت به امام، سیمای یک زن مسلمان را به نمایش گذاشت.

پی نوشت ها:

1. مناقب ابن شهر آشوب، ج 4، ص 237.

2. بحارالانوار، ج 65، ص 388.

3. تاریخ طبری، ج 4، ص 266.

4. صحیفه نور، ج 21، ص 173.

5. موسوعة کلمات الامام الحسین «علیه السلام»، ص 563.

6. سخنرانی مقام معظم رهبری 11/4/71.

7. سخنرانی مقام معظم رهبری 25/7/67.

8. بحارالانوار، ج 45، ص 87.

9. سخنرانی مقام معظم رهبری 22/3/73.

10. بحارالانوار، ج 45، ص 14.